



#### حدیث روز

امام علی علیه السلام :

...إِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ الْمُسْتَكَبِرِينَ فِي أَنْفُسِهِمْ بِأُولِيَانِهِ الْمُسْتَغْفِرِينَ فِي أَعْيُنِهِمْ.

خداوند سبحان، پندگانِ خود را که خودپسند و مستکبرند، به دوستانش که در نظر آنان مستضعف و خوار و زیون اند، می‌آزماید

## شبهات معنادار «افرا» به «بی‌همگان» و «آتش سرد» به «بی‌نشان»!



**د\*مدیر گروه تبلیغی تخصصی نورالتقلین :**

**محجت الاسلام استاد مجتبی خندان :**

**موضوع :**

**نابرابری اجتماعی از دیدگاه اندیشمندان اسلامی\***

**قسمت : چهارم**

به نظر متفکران اسلامی، یک جامعه ظالم (تبعیضی) نظامی است که همه ابعادش در غیر موضعی باشد که برای رشد، بهره وری و رستگاری انسان ها، دارای کارآمدی است و یک فرد ظالم، کسی است که استعدادها و امکانات خود را در جتنی که خدا تعیین کرده، یعنی برای رسیدن خود و جامعه به کمال، به جریان نمی اندازد و برعکس، در جهتی که خدا نفی کرده و بر خلاف رشد فردی و جمعی، امکانات خود را بسج می کند.

چنین بیان شده که توزیع نابرابری ثروت و قدرت در جوامع، سبب اختلاف در کارکرد جامعه می شود. ثروتی که در راه پرورزی خلق به جریان نیفتد، در دست مستگم، خود به خود، بی ثمر می شود.

افزون براین که این ثروت کارایی خود را در رستگاری و بهروزی همگان از دست می دهد، مستگمان نیز با جریان انداختن قدرت مادی خود، برای استضعاف مردم، از رشد و تمریضی آن ها جلوگیری می کنند. چنین ادعا شده که این توزیع نابرابر ثروت و قدرت، به پیدایش رحمت می انجامد. پس نابرابری قدرت و ثروت، تا گامه ای مشخص دارای عملکرد است و سبب درهم ریختن نظام و انتقال جامعه به گامه ای فراتر می شود. به دیگر سخن، کارکرد جبری تقسیم نابرابر ثروت و قدرت در جامعه، نابودی نظام ظلم و انتقال جامعه به گامه ای فراتر است. در جامعه فاسدبانی اسلامی، اسلام آن بخشی از تفاوت های طبیعی و جبری که اراده آدمیان در پیدایش، تقویت، تضعیف و نابودی آن ها تأثیری ندارد را به عنوان اموری می پذیرد که نه تنها وجود دارند، بلکه باید وجود داشته باشند.

اسلام، تفاوت های، اختیاری و اجتماعی که مستند به تلاش و توزیع عادلانه نباشد را نپذیرفته است و آن ها را نتیجه اختیار خود انسان های دانی. اسلام، تفاوت های اجتماعی را که در عوامل طبیعی و جبری ریشه دارند و از فرهنگ و نظام ارزشی مردم تأثیر می پذیرند و خارج از اراده خود فرد و خواست جامعه قابل رفع نمی داند، ولی برای تضعیف و کاهش آن ها توصیه

به دیگر سخن، از دیدگاه اسلامی، بخشی از تفاوت های اجتماعی که از تفاوت های طبیعی و جبری سرچشمه می گیرد، نه از میان برداشتنی است و نه جای «باید و نباید» دارد. و بخشی دیگر که زاینده نظام ارزشی و فرهنگ مردم است و از اختیار خود فرد و گرایش ها و خواسته های جامعه نیز تأثیر می پذیرد، مشمول «باید و نباید» و توصیه و تکلیف است. اسلام وجود تفاوت های اجتماعی را کمابیش می پذیرد و بر آن نیست که همه آن ها را از میان بردارد و تمامی آدمیان را از نظر مادی و اقتصادی یکسان کند، ولی نمی پذیرد که محرومان، روز به روز محروم تر شوند و متنگمان دم به دم متنگ تر، بلکه در پی رفع اختلافات فاحش موجود نیز برمی آید.

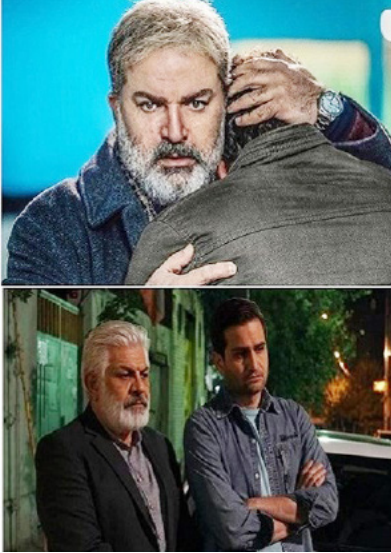
اسلام، نابرابری در جوامع را نمی پذیرد؛ البته تفاوت هایی را که به اراده انسان مربوط است و حد و بقای آن به اختیارات انسان است) زیرا آیینی است که بدون کوچک ترین تبعیضی همه افراد را به یک راه فرا خوانده و تمامی اقشار جامعه اعم از حاکم و محکوم، امیر و مأمور، رئیس و مروس، آزاده و بنده، زن و مرد، غنی و فقیر و کوچک و بزرگ در اسلام دارای یک موقعیت اند که قانون در حق همگان یکسان اجرا می شود.به طوری که متناسب با اختیارات افراد و توانایی های آن ها قانون اجرا می شود. البته برابر موازین اسلامی باید شرایط و زمینه برای تمامی اقشار جامعه مهیا باشد و معیار قانون در اسلام حق می باشد. جامعه شناسان اسلامی، معتقدند که در جوامع غیر اسلامی دارای تبعیض، پدیده هایی وجود دارند که سبب نابرابری اجتماعی شده اند.

در جوامعی که آموزه ها و ارزش های اسلامی حاکم است، هرچه تفاوت های اجتماعی وجود دارد، نابرابری اجتماعی که ناشی از استثمار انسان ها به وسیله گروه های خاصی است، بی رنگ خواهد شد.

کسی که تنها بُعد زیاده طلبی وی فعال شده، در هر شرایطی به تجاوز و انزواطلبی دست خواهد زد. چنین کسی، چه غنی باشد، چه فقیر، از تجاوز کردن پروایی نخواهد داشت. در برابر، کسی که بُعد عدم تجاوز در او شکوفا شده باشد، اگر ابزار تجاوز را هم داشته باشد، به تجاوز دست نمی یازد. پس ریشه تجاوز در ابزار نیست، بلکه در گرایش انسان است.

هواداران جامعه شناسی جدید اسلامی، با تکیه بر آیه های قرآنی معتقدند روش استیلای زراندوزان، زورگویمان و دموکراه بر انسان های ضعیف این است که با تحقیر، شخصیت آن ها، روحیه خود کم بینی را به آنان تزریق می کنند.

## لازم است سرپال‌سازان با نگاهی به الگوهای جدید، پیچیدگی و کلاف سردرگم را جاشنی ترسیم فضای قصه، شخصیت‌پردازی کاراکترها و روایت داستان‌هایشان کنند به‌جای اینکه به کلیشه‌ها متوسل شوند. یکی از نکاتی که بارها کارشناسان مختلف روی آن نظر داشته‌اند عبور تلویزیون از کلیشه‌ها و تکرارهاست، همان مضملی که نه‌تنها قاب جمیع جادو بلکه مدیوم‌های دیگر را درگیر خودش می‌کند.



زمانی تلویزیون «یاور» را به آنتن شبکه سه حسیم رساند و شائبه شباهت حشمت فردوس و یاور مطرح شد. گروه کاربلدی که پیش از آن سرپال دنباله‌دار «ستایش» را کار کرده بودند با یک سرپال رضایی به آنتن برگشتند، اما آن‌طور که باید و شاید، خبری از خلاقیت و نوآوری در فیلمنامه و ایجاد پیچیدگی و گره در داستان نبود.

شباهت لوکیشن‌ها همه داریوش ارجمند را همان حشمت فردوس و بسیاری از اتفاقات را شبیه به کارهای قبلی این گروه می‌دانستند، حتی در آن روزها یکی از سکانس‌های این سرپال را با سرپال‌های دیگر مثل «هضار» که همان زمان به‌عنوان سرپال رضایی از شبکه یک سیما روی آنتن می‌رفت، مورد مقایسه قرار دادند و لوکیشن آن را شبیه به هم دانستند.

هرچند داریوش ارجمند سعی کرد و با بازی هنرمندان‌اش رگه‌های دیگری از این شخصیت را ارائه داد و از حد زن بودن صرف در کاراکتر حشمت فردوس به‌گونه‌ای قرار

کرد اما از همان روز نخست، به شباهت یاور و حشمت فردوس محکوم شد. این اتفاق در سرپال‌های دیگر هم افتاده و آن گره باز کردن‌های یکباره هم مزید بر علت شده است تا مخاطب مطالبه‌گش این روزها سرپال‌های پیچیده عجیب و غریب همراه با کلاف سردرگم باشد، در واقع گره‌افکنی‌ها و گره‌گشایی‌های ساده و بدون پیچیدگی برخی از این سرپال‌ها مورد نقد است.

نمونه‌های دیگر هم وجود دارند که گاهی اوقات با فاصله و گاهی هم هم‌زمان روی آنتن اتفاق می‌افتند، مثل چندی پیش که سرپال «افرا»، «در کنار پروانه‌ها» و «هم‌سایه» روی آنتن شبکه یک، دو و سه سیما بودند.

انتخاب لوکیشن‌های مشترک در سرپال شبکه دو (در کنار پروانه‌ها و شبکه یک افرا)، بازیگران مشابهی که در دو مجموعه تلویزیونی ایفای نقش می‌کنند و حوادثی که حتی نعل به نعل شبیه به هم رخ می‌دهد و شباهت‌هایی که رخ داده‌های این مجموعه های تلویزیونی را به هم نزدیک می‌کند.

در سرپال «افرا» شاهد حادثه‌ای هستیم که در آن فردی کشته می‌شود و دیگر کاراکترها درگیر داستان او می‌شوند و همین اتفاق در سرپال «هم‌سایه» هم رخ می‌دهد که فردی به‌دلایلی فوت می‌کند و پزشکی درگیر داستان می‌شود.

همچنین در سرپال «افرا» دیده می‌شود دختری (مینا وحید در نقش مهتاب) بعد از فوت پدرش با حمایت‌های عمومی



خانواده (مهدی سلطانی به نقش محمود) در رشته پزشکی تحصیل می‌کند و در زمان حاضر مخالف خواسته عمومی‌ش استاده است. در سرپال «هم‌سایه» هم شاهد این مسئله هستیم که فردی پدرش را از دست می‌دهد و با حمایت‌های دایی‌اش در رشته پزشکی تحصیل می‌کند و اما خلاف خواسته او عمل می‌کند.

اتفاقی پزشک سرپال افرا را درگیر کرده است و به‌وزارات او می‌بنیسم که یک حادثه پزشک سرپال هم‌سایه را نیز درگیر کرده است.

حوادث در دو مجموعه تلویزیونی شبیه به هم پیش می‌روند و بعد از مدتی هر دو داستان را کش می‌دهند و هیچ گره‌گشایی در مسیر رخداد اتفاق نمی‌افتد. همچنین

در سرپال «در کنار پروانه‌ها» شاهد این هستیم که لوکیشن‌های استان گیان محل روایت داستان است، اتفاقی که در سرپال «افرا» نیز به همین شکل می‌افتد. با نگاهی اجمالی به این مسئله می‌توان گفت انتخاب لوکیشن، انتخاب داستان، انتخاب سوزدها، انتخاب بازیگر و غیره...

شاید یک اتفاق تصادفی در سه مجموعه در حال پیش بود. «آتش سرد» به هم پیش می‌روند و بعد از مدتی هر دو داستان را کش می‌دهند و هیچ گره‌گشایی در مسیر رخداد اتفاق نمی‌افتد. همچنین

در سرپال «افرا» نیز به همین شکل می‌افتد. با نگاهی اجمالی به این مسئله می‌توان گفت انتخاب لوکیشن، انتخاب داستان، انتخاب سوزدها، انتخاب بازیگر و غیره...

شاید یک اتفاق تصادفی در سه مجموعه در حال پیش بود. «آتش سرد» درباره دو دوست و شریک به‌نام‌های «محسن» و «سعید» است. «محسن» شخصیتی مثبت و درستکار دارد اما «سعید» خیانت در امانت کرده و حق تیمی را بالا کشیده است. تقابل این دو کاراکتر با یکدیگر، ویژگی‌های شخصیت «محسن» و بعضی اتفاقات داستان، مخاطب را به‌باد «بی‌نشان» شبکه سه که اوایل هم‌راه به پایان رسید، می‌اندازد.

حتی برخی اعتقاد دارند شاید دلیل به تأخیر افتادن پخش «آتش سرد» که قرار بود از ۲۲ مردادماه و پایان ماه صفر به آنتن شبکه دو سیما برسد، همین هزمانی و شباهت‌هایش با «بی‌نشان» شبکه سه باشد.

در سرپال «آتش سرد»، کاراکتر «محسن» با بازی پرویز فلاحی‌پور شخصیت مثبت قصه و قِیم یک کودک یتیم است و